

تحولات جدید در عرصه نشر و ویرایش و ظهور ویراستار هزاره سوم

عبدالحسین آذرنگ*

ویرایش را در آموزش و انتقال اطلاعات حتماً و عمیقاً احساس می‌کند، دانشگاهی که مبنای آموزشی آن متن باشد علی‌القاعده باید برجسته‌ترین ویراستاران را در مجموعه خود جای دهد و با همه شیوه‌ها، سبک‌ها و گونه‌های ویرایش بهتر از جاهای دیگر آشنا باشد؛ به ویژه آنکه در بسیاری از مراکز از راه دور در بسیاری از کشورها، آموزش نشر و ویرایش از جمله سرفصل‌های درسی شده است.

عوامل‌های محدود کننده آموزش غالباً این‌هاست: هزینه، پیش شرط تحصیلی، زمان و بُعد جغرافیایی. نظام آموزش از راه دور بر اثر تحولات الکترونیکی و اخیراً دیجیتال با غلبه بر محدود کننده‌های زمان و بُعد جغرافیایی به آموزش‌هایی بخشی تبدیل شده و تسهیلات بانکی و وامی و تعدیل در برخی از ضوابط دست و پاگیر در شماری از کشورهای خردگرا و دورنگر راه را بر انتقال طیف گسترده‌ای از آموزش‌ها باز کرده است. این دگرگونی عظیم بر نشر و ویرایش تأثیر عمیق

چکیده: «تحولات جدید در عرصه نشر و ویرایش» عنوان سخنرانی عبدالحسین آذرنگ است که سال گذشته در دانشگاه پیام‌نور ایراد شد. از آنجا که این سخنرانی غنی حاوی نکاتی نو و بدیع در حوزه مطالعات نشر و ویرایش، به ویژه نشر جدید (الکترونیک) و تعامل آن در نظام آموزش از راه دور است، در این شماره از پیک‌نور درج می‌شود. در این سخنرانی مبنای نظری نشر الکترونیک و تحولات ناشی از فناوری در حوزه‌های مختلف ویرایش، اعم از ویرایش صوری، ویرایش استنادی یا استشهادی، ویرایش هنری، مطرح و انواع مختلف نشر الکترونیک («خودناشری»، «نشر مبتنی بر نیاز»، «نشر رومی‌زی») معرفی شده است. نکات بارز مطرح شده در این سخنرانی نقش «نظام آموزش از راه دور»، به طور کلی، و «دانشگاه پیام‌نور» به طور خاص در عصر فناوری و تأثیر این نظام در نشر الکترونیکی و ویرایش رایانه‌ای و معرفی ویژگی‌های ویراستار هزاره سوم و پیشنهاد ایجاد رشته «نشر و ویرایش» با استفاده از نظام آموزش از راه دور است.

کلیدواژه: نشر جدید، ویرایش جدید، نشر اثر گزین، نشر اثر آفرین، ویراستار هزاره سوم.

* مؤلف و مترجم، عضو علمی و مدیر بخش در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، از ایشان آثار متعددی در قالب کتاب و مقاله منتشر شده است که از جمله آنها در زمینه نشر، مبنای نشر و گامهای اصلی در نشر کتاب شایان ذکر است.

دسترسی به منابع دانشی و فرهنگی جهان موضوعی است که هیچ صاحب اقتدار و فناوری به آن بی اعتنا نیست. موضوع جریان و انتقال آزادانه اطلاعات که ترکیب سازوکارهای سیاسی، علمی، فنی، اقتصادی و معرفتی از آن بی قید و شرط حمایت می‌کند، بحث رایج روز است. هر چیزی که به آزادی این جریان و انتقال خدش‌های وارد کند مانع قلمداد می‌شود و بسان مانع‌هایی که سر راه گسترش جغرافیای جهان در عصر مدرن بود و برداشته شد، در عصر پسا مدرن هم باید برداشته شود. این ذهنیت و نگرش در هر پدیده و عملی که به جریان انتقال اطلاعات مربوط باشد دیده می‌شود. آموزش هم در معنای گسترده لاجرم در دامنه موضوعی جریان و انتقال اطلاعات قرار می‌گیرد. این پدیده قبلاً نبوده و این تحول در بستر جریان اطلاعات اتفاق افتاده است. ایجاد و گسترش OLLC ها (مخفف On-line Learning Centers) در فارسی مسامحتاً به کانونهای آموزشی رایانه‌ای ترجمه شده است، که در همه جای جهان در حال گسترش است از مصداقهای بارز جریان و انتقال اطلاعات در فضای جدید الکترونیکی - رایانه‌ای و پدید آمدن نوع جدیدی از نشر و ویرایش است که به برخی از ویژگیهای آن اختصاراً اشاره می‌کنم: نشر که در چند سال اخیر با عنوان علوم و فنون نشر هم نامیده شده و شماری از دانشگاهها رشته‌ای به نام علوم نشر (publishing sciences) پایه گذاشته‌اند، آمیزه‌ای از چند علم، فن و برخی از اصول و مبانی هنری است. نشر، علوم و فنون و شاخه‌هایی از هنرها را به خدمت خود می‌گیرد و به کمک آنها به موضوع انتقال پیام از پدیدآورنده به خواننده، از راه رسانه‌های دیداری، شنیداری یا ترکیبی از دیداری و شنیداری می‌پردازد. رسانه اصلی نشر در عصر پیشاچاپ نسخه خطی، در عصر چاپ اثر چاپ شده، عمدتاً کتاب و نشریات، و در عصر پساچاپ رسانه‌های الکترونیکی و دیجیتالی یا ترکیبی از رسانه‌های الکترونیکی و غیر الکترونیکی و معروف به چند رسانه‌ای است. البته ما اکنون در عصر پساچاپ هستیم.

برای نمونه هم اکنون چند ناشر بین‌المللی بزرگ یا به اصطلاح چند غول ناشر به صورت تخصصی و فنی

گذاشته و آن را دستخوش تأثیر و تأثر کرده، بدین صورت که هم بر آموزشها تأثیر می‌گذارد و هم از آنها تأثیر می‌پذیرد. بدیهی است که این گونه تعاملها بهترین شرط و امکان پیشرفت و تعالی است و خوشبختانه نشر و ویرایش می‌تواند از آن برخوردار شود. ویرایش در بستر نشر معنی می‌دهد و منتزع کردن آن از نشر، ما را از درک واقعیت امر دور می‌کند.

اجازه بدهید نخست چند نکته‌ای را درباره نشر ذکر کنم: فناوری تحولی که نشر بر گردونه آن سوار شده است کارکردهای تازه‌ای ایجاد کرده و امکانات جدیدی عرضه داشته است. گرایش کنونی جهان، یا دقیقتر بگویم گرایش عمومی در جهان توسعه یافته صنعتی، به سمت نشر بدون کاغذ، نشر بدون چاپ و صحافی، نشر بدون انبار و نشر بدون حمل و نقل و نشر مبتنی بر خبررسانی و اطلاع رسانی و آگاهی رسانی لحظه‌ای است. البته بین خبررسانی و اطلاع رسانی و آگاهی رسانی تفاوت وجود دارد. کاری که مطبوعات انجام می‌دهند خیر رسانی است، آن چه محصول نظامهای اطلاع رسانی است در حقیقت اطلاع رسانی است و اطلاع رسانی معطوف به هدف برای رسیدن به منظور خاص یا انتقال آگاهی یا بالا بردن دانش، آگاهی رسانی است. این سه تعبیر باهم متفاوت‌اند، ولی در جامعه معمولاً و مسامحتاً معادل هم به کار می‌روند. همین گرایش که هم امکانات فن‌آوریهای الکترونیکی را در اختیار دارد و هم منافع اقتصادی را به عنوان محرکی قوی در پس خود می‌خواهد و هر مانعی را از سر راه خود برمی‌دارد، درست مثل گرایش عمیق به کشف ناشناخته‌های جهان در عصر اکتشافات جغرافیایی از سده ۱۵ به بعد است. وضعیت کنونی که الآن به وجود آمده یعنی، ترکیبی از گرایشها به طرف اطلاعات و در ضمن آمیخته شدنش با منافع اقتصادی، به آن وضعیتی که بعد از قرن ۱۵ به وجود آمد، شبیه است. دوره اکتشافات جغرافیایی که در آن توسعه طلبی و قدرت خواهی و منفعت اقتصادی، ماجراجویی و نيسز کنجکاوی و انگیزه‌های علمی با هم در آمیخت و محرکی نیرومند برای بسط و گسترش دانش فراهم آورد. این ویژگی عیناً در سده ۲۱ موجود است. به نظر صاحب نظران، هم اکنون

روی چند رسانه‌هایی کار می‌کنند که می‌گویند در فراگیری تحولی چشمگیر ایجاد خواهد کرد، یعنی ترکیب متن به اضافه CDهای دیداری - شنیداری که در زمان لازم، خود به خود به شبکه اینترنت وصل می‌شود و مطالب لازم را پس از شبکه گردی و شبکه پیمایی بازیابی، دسته‌بندی و از آنها نتیجه‌گیری می‌کند. اینها محصولات جدید نشر است، یعنی نشری که نه تنها در انتقال پیام از پدیدآورنده به خواننده - حالا دیگر اصطلاح خواننده رابه کار نمی‌برند، بلکه می‌گویند بیننده و شنونده - به لحاظ رسانه‌های گروهی تحول ایجاد کرده است. بلکه عنصر استنباط و استنتاج را که از مهمترین ارکان آموزش است، جزء کارکردهای نشر قرار داده است. این پدیده به نظر تحولی ساده می‌نماید، ولی تحولی فوق‌العاده عمیق است و همین نکته به تنهایی از تغییر بسیار مهم در کارکردهای نشر حکایت می‌کند. نشر جدید با این امکانات، در حال حاضر، سه هدف اصلی را دنبال می‌کند:

۱) هرگونه مانعی و واسطی میان خود، پدیدآورنده و خواننده را حذف می‌کند.
 ۲) امکان دانش گسترتری در مقیاسهای وسیع فراهم می‌آورد.
 ۳) آخرین امکانات سرعت و سهولت را در خدمت تولید و انتقال قرار می‌دهد.

از مصداقهای بارز مورد اول پدیده POD است. POD مخفف *print on demand* است که در فارسی «نشر مبتنی بر نیاز» ترجمه شده است. یعنی خواستار اثر را بر صفحه نمایشگر می‌بیند، یا صدای آن را به کمک پنخشگر می‌شنود و بنا به موقعیت و نوع نیاز خود تصمیم می‌گیرد که اثر را روی چه رسانه‌ای در اختیار داشته باشد، به صورت چاپی یا روی CD, DVD یا دیسکت یا دستیابی شبکه‌ای و غیره. POD نشر را از امکانات محدود تک رسانه‌ای بودن آزاد می‌کند. پدیده دیگر DPH، مخفف *Digital Publishing Houses* (نشر سراهای الکترونیکی یا نشر سراهای دیجیتالی) نام دارد. پیشگام این نشر سوئدیها بودند و کشورهای دیگر، به ویژه ژاپن، در حال گسترش آن هستند. بزرگترین مدافع DPH پدیدآورنده‌ها هستند، زیرا می‌توانند به مراکزی بروند که در آنجا امکانات نرم افزاری برای تولید، ویرایش

و آماده‌سازی آثارشان وجود دارد و، در عین حال، از مشورتهای لازم در نشر سرا برخوردار شوند، آنگاه اثر خود را وارد شبکه کنند. آثار پدیدآورندگان در مراکز تکثیر به کمک دستگاهی به نام *instal book* که تقریباً به اندازه و شبیه دستگاه زیراکس است، ظرف چند دقیقه به صورت کتاب تکثیر، جلدسازی و تحویل می‌شود. در ضمن به رسانه‌های دیگر مثل CD و DVD هم قابل تبدیل است. نشر سراهای و *instal book* ها عملاً موانع تولید، توزیع و نیز هرگونه نظارتی را حذف کرده و هزینه‌ها را به میزان زیادی به سود هر دو طرف: پدیدآورنده و خواننده، کاهش داده‌اند. نشر سراهای از ویرایشهای نرم‌افزاری و ویرایشهای صوری قانونمند استقبال می‌کنند و از این رو، به توسعه شاخه‌ای از ویرایش که با ساختار و محتوا کار ندارد و صورت اثر فقط وجهه نظر آن است، یاری می‌رساند.

جنبه دیگر EC است مخفف *E-commerce* (فروش رایانه‌ای) و پست کردن CDها و DVD و نظایر اینها. جنبه دیگر SP است، مخفف *self publishing* یعنی (پدیده خود نشری) که البته نامهای دیگری هم دارد. این پدیده با پدیده «ناشر مؤلف» که قبلاً رواج یافته بود، متفاوت است. در واقع نهادهای کوچکی به وجود آمده‌اند که با انواع تخصصها و با قیمتهای بسیار ارزانتر به پدید آورندگان خدمات فنی - تخصصی ارائه می‌کنند تا آنها بتوانند آثار خود را بدون واسطه تولید و توزیع کنند. همین پدیده ساده تحولات اجتماعی اقتصادی بسیار زیادی به وجود آورده و پیامدهایی که اجماًلاً به مواردی از آنها اشاره می‌کنم:

«خودنشری» پدیده‌ای است در حال گسترش سریع، زیرا در سال ۱۹۹۹ حدود ۱۰ درصد کتابهای جهان صنعتی، یعنی حدود ۸۰ هزار عنوان از ۸۰۰ هزار عنوان کتاب در سال، به این شیوه منتشر شد. این رقم در سال ۲۰۰۱ حدود ۱۳ درصد بود و پیش‌بینی می‌شود که در چند سال آینده از حدود ۱۶ درصد بالاتر باشد. بنابراین، رقم اقتصادی عظیمی از نشر به اصطلاح سنتی خارج شده و منحنی آن همچنان در افزایش است. معلوم نیست در ۱۰ سال آینده چه پیامدهایی خواهد داشت. از تأثیرهای فراوان آن که بگذریم بر ویرایش هم تأثیر گذاشته است و

امکانات منحصری را از دست می‌دهند و به همین دلیل شمار ناشران در حال کم و زیاد شدن است. کسانی که نمی‌توانند خود را با وضعیت جدید تطبیق دهند، از صحنه بیرون می‌روند و کسانی که اندیشه‌ها و ابتکارهای تازه‌ای دارند به صحنه می‌آیند. شاید به همین دلیل است که در سالهای اخیر کمتر صنفی در دنیای صنعتی به اندازه صنف نشر دستخوش تحول شده باشد. اگر خواستید تصویر زنده‌ای از این تحولات را بخوانید کتاب جیسن ایستاین^۱ مبتکر قطع جیبی و از سرویراستاران با تجربه مؤسسه‌های بزرگ انتشاراتی را بخوانید که با عنوان *Book Business Publishing: Past, Present and future* منتشر شده است. این کتاب از قلب تحولات تصریری به دست می‌دهد که در هیچ جای دیگر نمی‌توان نظیر آن را خواند. ایستاین نشان می‌دهد که چگونه نسلها، اندیشه‌ها، برداشتها، روشها، سبکها و سلیقه‌ها در نشر روبه زوال رفت و چه چیزهایی و به چه دلایلی جای آنها را گرفت و نیز مناسبات فرهنگی در جامعه چگونه در قلب نیویورک به عنوان قلب نشر جهان دگرگون شد. چشم اندازه‌های آینده نشر هم در این کتاب از دیدگاه مردی بسیار با تجربه که یکی از بزرگترین ویراستاران جهان است از جهاتی ترسیم شده است.

حال می‌پردازیم به هدف دوم نشر جدید، یعنی امکان دانش گسترتری در مقیاسهای وسیع. از مصداقهای بارز تحقق این هدف مراکز آموزش رایانه‌ای و مراکز مصرف و کاربرد اطلاعات از راه دور است، مثل مرکز رایانه‌ای در روستاهای دور افتاده آفریقای جنوبی. سازمان ملل متحد در حال بررسی این اقدامات است و اگر این تجربه قابل تعمیم باشد، برای کشورهای در حال توسعه امکان خیلی بزرگی است. یعنی این امکان که بتوان آموزش را در سطوح و موضوعات گوناگون، حتی پزشکی به روستاهای دور افتاده انتقال داد. در ایسن مراکز در آفریقای جنوبی روستاییان می‌توانند آخرین و تازه‌ترین آمار و اطلاعات مربوط به هواشناسی و کشاورزی و عرضه محصولات را به دست

«خود ناشران» گذشته از استفاده از نرم‌افزارهای ویرایشی برای ویرایشهای ساختاری - محتوایی، ویرایشهای موضوعی - مضمونی، به سراغ ویراستارانی رفته‌اند که خود آنها را انتخاب می‌کنند و دیگر ویراستاران متخصص مؤسسات نشر کسی را بر آنها تحمیل نمی‌کنند. برآوردها نشان می‌دهد که بر اثر رواج پدیده خود ناشری، گذشته از نسلی از پدیدآورندگان، نسل جدیدی از ویراستاران نیز در حال ایجاد است. نسلی که در بسیاری از موارد و در بسیاری زمینه‌ها نسبت به ویراستاران پیشین پدیدآورنده، پیام اثر و خواننده را بهتر می‌شناسند. باز تأکید بر این نکته را لازم می‌دانم که خواننده در دنیای امروز، یعنی «بیننده» و «شنونده». جنبه دیگر، ایجاد بازارهای جدید و مراکز جدید فروش است که پیش از این کم استفاده و کم تأثیر بوده است. مانند کیوسکهای کوچک مطبوعاتی، فروشگاههای کوچک در پایانه‌ها، هتلها، فروشگاههای بزرگ، مراکز عمومی در کنار کتابخانه‌ها، موزه‌ها، آموزشگاهها، تعاونیهای دانشجویی، دانش آموزی، کارگری، روستایی و غیره. نشر همزمان پدیده‌ای است که به سرعت در حال رواج است؛ اینکه یک اثر را می‌توان به طور همزمان در نقاط مختلف دنیا و کاملاً همسان منتشر کرد، در توزیع تأثیر مستقیم گذاشته است.

مصداق کاربرد نشر همزمان در روزنامه‌هایی است که تیراژهای میلیونی دارد. برآوردها حاکی از آن است که عرضه و فروش به شیوه جدید، خواننده جدید هم ایجاد کرده است و، بنابراین، سه رکن اصلی نشر، یعنی پدیدآورنده، ناشر و خواننده، به گونه‌ای متفاوت از پیش بر هم تأثیر می‌گذارند و پیداست که در جریان تغییر الگوی تأثیرگذاریها، ویرایش به عنوان وظیفه و تخصصی در حوزه پیام بانی و پیام رسانی از دیدگاه هدفهای علم ارتباطات تأثیر و تغییر می‌پذیرد. اینها مصداقهایی از تأثیر مورد اول از هدفهای جدید نشر، یعنی حذف یا کاهش مانع، حاجب و واسط میان پدیدآورنده و خواننده بود. در ضمن به خاطر داشته باشید که روند نشر همیشه با هدفها و خواستهای ناشران همسو نیست و گاه ممکن است این روند در تقابل با آنان قرار بگیرد. در واقع، ناشران، از یک سو، با امکانات تازه‌ای روبه‌رو می‌شوند و، از سوی دیگر،

۱. Epstein این کتاب با عنوان کار و کسب کتاب به تازگی به فارسی ترجمه و منتشر شده است (ترجمه نازنین قائم‌مقامی فراهانی، تهران، قدیانی، ۱۳۸۲).

با توجه به هدفهای سه گانه در نشر جدید، که روند کنونی نشر در جهان از آن پیروی می‌کند، ویرایش چه وضعی دارد؟ در مؤسسات بزرگ انتشاراتی، یا به اصطلاح غول‌ناشران، که دستگاه‌های آنان به مجموعه‌های اطلاعاتی و فناوری‌های اطلاعاتی - ارتباطاتی مجهز شده است، زمینه برای تحقق گونه «نشر اثرآفرین» در مقابل «نشر اثرگزین» فراهم شده است. نشر اثرگزین یعنی اینکه ناشر مثل یک ماهیگیر منتظر اثر می‌ماند، تورش را پهن می‌کند ببیند که چه اثری در این تور می‌افتد، ولی در نشر اثرآفرین ناشر خودش با اندیشه و ابتکار به سراغ پدید آورنده می‌رود و در واقع آثار را به وجود می‌آورد، یعنی تعدادی از ناشران بر اثر فناوریهای جدید اطلاعاتی و ارتباطی به معماران جدید کتاب تبدیل شده‌اند. این پدیده قبلاً نبود. ناشر به کمک یافته‌ها و داده‌های حاصل از مطالعات نشر برای تأمین نیازها آثار متناسب را طراحی می‌کند، سفارش می‌دهد و بر تکمیل آنها مستقیماً نظارت دارد. در این حالت ویراستار به عنوان نماینده تام‌الاختیار ناشر، مانند معمار بر مراحل ساخت اثر نظارت می‌کند. مانند رهبر ارکستر میان اجزاء هماهنگی برقرار می‌سازد. اصولاً در نشر اثرآفرین، نقش ویراستار در اثر، مشابه نقش معمار در بناست. در نظامهای گسترده ارتباطی و در رسانه‌های بزرگ، نقش ویراستاران بیش از پیش برجسته شده است، زیرا گستردگی و بزرگی نظامها و رسانه‌های ارتباطی به تجهیزات و عظمت آنها نیست، بلکه به دامنه برد پیام‌رسانی آنهاست. هر رسانه‌ای که مخاطبان بیشتری جلب کند اعتبار بیشتری به دست می‌آورد، موقعیت بیشتری کسب می‌کند و درآمد بیشتری هم به چنگ می‌آورد. در این نظامها و رسانه‌ها ویراستاران هستند که به دانش و تجربه می‌دانند هر پیامی را خطاب به چه کسانی، در چه مدت زمانی و با چه زبان و اصطلاحی و چه ترتیب و تنظیمی پخش کنند. در واقع، هنجارشناسیهای آنان است که میان پسند مخاطبان و بسته‌های پیام رسانه‌ها ارتباط برقرار می‌سازد. در رسانه‌های دیگر نظیر روزنامه‌ها و مطبوعات، چه الکترونیکی و چه کاغذی، رقابت به مراتب بیشتر و جدیتر است و به همین دلیل ویرایش هم کارآمدتر و مؤثرتر است. رقابت رسانه‌ها آنها را به این

به دست بیاورند و جوانان در رشته‌های کاربردی و، به ویژه، سازگار با محیط بومی آموزش ببینند. پزشکی از راه دور دوره دوساله‌ای است که یک فن‌ورز می‌تواند از طریق ارتباط رایانه‌ای با مراکز مجهز پزشکی به یاری بیماران در دورافتاده‌ترین نقاط آفریقای جنوبی بپردازد. آنان یاد می‌گیرند که نشانه‌شناسی کنند و با کدهایی که در نظر گرفته درمان را انجام می‌دهند. اینها از نمونه‌های شناخته شده‌ای است که تأثیرهای کاربرد آن عملاً محرز شده است. در مراکز رایانه‌ای دوربرد تحول در معنای نشر و تأثیر مستقیم آن بر خواننده بسیار آشکار است: ایجاد مخاطب جدید، یا اصطلاحاً «مخاطب آفرینی در نشر» از راه خود نشر. البته نشر در معنای جدید کلمه از موارد تحقق هدف دانش‌گستری است. پدیده اطلاع‌رسانی از راه دور و مراکز آموزشی آن هم اکنون از جدی‌ترین و زنده‌ترین بحثهای مراکز آموزشی است. به ویژه گروههای صلح‌طلب، گروه‌های برابری خواه، گروههای ضد تبعیض و واپس‌ماندگی و NGOهای جدی انسان‌گرا و حامیان سرسخت توسعه مراکز آموزشی از هواداران سرسخت توسعه مراکز آموزشی و اطلاع‌رسانی از راه دور هستند. برآوردها از تحولی عظیم در این زمینه تا سال ۲۰۱۰ حکایت می‌کند.

مورد آخر از هدفهای سه‌گانه، یعنی امکانات سرعت و سهولت در خدمت تولید و انتقال است. بارزترین مصداق آن پدیده DTP (مخفف desktop publishing) است. معادل آن در فارسی «نشر رومیزی» است که اصطلاح دقیقی نیست. مراد از نشر رومیزی این است که مؤسسه انتشاراتی و چاپخانه به لحاظ تحولات الکترونیکی، کوچک و جمع و جور شده و روی یک میز قرار گرفته است و به کمک DTP و با استفاده از نرم افزارهای متن پرداز، متن - ویرا، متن‌آما، متن‌گردان و نظایر آن می‌توان وظایف نشر را با سرعت و سهولتی بی‌سابقه انجام داد. این مورد از اهداف هم‌مدام در حال دستخوش و تغییر و تحول است، زیرا هر دستاوردی که بر نرم افزار و سخت افزار رایانه‌ای تأثیر بگذارد، بر DTP هم تأثیر مستقیم دارد و تا زمانی که روند تحول الکترونیک کند و عادی نشده است، DTP هم دستخوش این روند است.

تقریباً همه آثار کلاسیک، از طریق کتابخانه‌های دیجیتالی و CD هایی که جزئیات متن در آنها قابل بازیابی است در دسترس است. ویرایش‌استنادی که ویراستار باید به منابع اثر مراجعه کند و صحت نقل اقوال، داده‌ها و استنباط و استنتاج براساس منابع را بیازماید، با کتابخانه‌های دیجیتالی متحول شده است، به ویژه آنکه سازوکارهای اطلاع‌یاب از طریق روشهای تحلیل متن و نمایه سازی، موارد مورد نظر ویراستار را به سرعت در متن پیدا می‌کند و به او امکان مقایسه و بررسی می‌دهد. میزان صرف وقت در ویرایش‌استنادی به طرز چشمگیری کاهش یافته، بنابراین، این شیوه ویرایش، هم رایجتر شده است و هم کارآمدتر. جایگاه ویرایش ساختاری-محتوایی و هنری و انواع ویرایشهای خلاقانه در نشر امروز بیش از پیش است و هرچه به کمیت و صورت قابل تبدیل باشد به سرعت و سهولت بیشتری موضوع برنامه‌های نرم‌افزاری قرار می‌گیرد و به همین دلیل ویرایشهای صوری را، که به غلط در جامعه ما به آن ویرایشهای فنی می‌گویند، می‌توان تا حد زیادی با برنامه‌های الکترونیکی انجام داد، اما پای موضوع و معنی که به میان بیاید ذهن انسانی باید مداخله کند و هیچ هوش مصنوعی تاکنون نتوانسته است آن‌طور که ذهن بشر در فرایند پیچیده استنتاجها و داوریها می‌تواند، تصمیمهای اساسی بگیرد. نظامهای رایانه‌ای تسهیلات فراوانی در اختیار ویراستاران ساختار و محتوا قرار می‌دهد، اما وظیفه ویرایش ساختاری-محتوایی را انجام نمی‌دهد. همچنین ویرایش داستان، شعر و سایر آثار آفریده‌های هنری در حقیقت کاری است که از عهده نظامهای مکانیکی به هیچ وجه ساخته نیست. جهان به نسبتی که الکترونیکی‌تر و دیجیتالی‌تر می‌شود، جستجوگرتر، دقیقتر و هنری‌تر هم می‌شود. هر چه امکانات رایانه‌ای و شبکه‌ای در گردآوری و بازیابی و سازماندهی اطلاعات و داده‌ها افزایش می‌یابد، نیاز به ساختارهای محتوایی هنری و خلاقانه بیشتر می‌شود و به همین دلیل توجه به این گونه از ویرایشها در برنامه‌های آموزشی برای ما در اولویت بیشتری قرار می‌گیرد. تأکید رایانه‌ای متن با تصویر و سایر تدبیرهای بصری و امکان انتقال فایلها و اصولاً تولید رایانه‌ای چندرسانه‌ای، نوع

سمت می‌راند که حداکثر اطلاعات را در حداقل زمان منتقل کنند. هرچه زمان می‌گذرد از حوصله مردم برای خواندن بسیاری از مطالب کاسته می‌شود، این واقعیت را باید شناخت و درست پذیرفت. اخیراً کنفرانس مهمی در خارج حوزه پاسیفیک تشکیل شد که ناشران بزرگ و ویراستاران برجسته در آن شرکت داشتند. آنها به اجماع اعلام کردند که در جوامع ما (حوزه پاسیفیک) میل به خواندن کتاب رو به کاهش است و به لحاظ رقابت رسانه‌ها کتاب دارد مخاطبهای خودش را از دست می‌دهد. معنی این حرف این نیست که کتاب می‌میرد؛ کتاب می‌ماند ولی در رقابت رسانه‌ها اگر کارآمدی رسانه‌ای از کتاب بیشتر باشد، هیچ دلیلی ندارد که مردم کتاب بخوانند. اخیراً یکی از ویراستاران برجسته و با تجربه ژاپنی که به مسئولیت یکی از مؤسسات انتشارات بزرگ ژاپنی در آمده است می‌گوید: جوانان ژاپنی دیگر حوصله خواندن کتاب را ندارند و اگر هم خواندن کتابی بیش از دو ساعت طول بکشد، آن کتاب بین جوانان نسل جدید طرفدار ندارد. او می‌گوید از ویراستارانش خواسته است که کتابها را طوری طراحی و معماری کنند که به کمک تدبیرهای بصری و روشهای انتقال حداکثر اطلاعات در حداقل زمان، ظرف دو ساعت خوانده شوند، البته همه ما می‌دانیم که موضوع تحقیق و تخصص و تفحص جداست و اطلاعات هیچ منبعی نمی‌تواند جای نکته‌هایی را که از راه غور دقیق و وقت‌گیر در کتابها به دست می‌آید بگیرد. اما عرصه عمومی کتاب و مطبوعات تغییر کرده است و با توجه به حوصله تنگ و مجال اندک دنیای شتابزده هزاره سوم و سرعت بازیابی و انتقال اطلاعات از راه شبکه‌های رایانه‌ای، باید راههایی پیدا کرد که اطلاعات غیرلازم و وقت‌گیر منتقل نشود، تجربه و تشخیص این کار از آن ویراستاران کاردیده است و اینها هستند که اثر خواندنی را خواندنی‌تر می‌کنند و ارتباط را در نوشته برقرار می‌سازند. تحول دیگری که در عرصه ویرایش اتفاق افتاده در ویرایش‌استنادی و یا ویرایش‌استشهادی (citational editing) است. بر اثر تشکیل و رواج کتابخانه دیجیتالی تحولی چشمگیر در ویرایش‌استنادی و استشهادی به وجود آمده است. اکنون ده هزار کتاب،

جدیدی از ویراستار، یعنی ویراستار دنیای هزاره سوم را پدید آورده است. بنگاههای بزرگ انتشاراتی که گاه از دهها طبقه ساختمان تشکیل می‌شد، اکنون به یک یا چند اتاق محدود شده است. سرویراستار در دفتر کارش می‌نشیند و با پدیدآورندگان، ویراستاران و سایر تولیدگران کتاب در نقاط مختلف جهان در تماس است. حضور در یک محل و زیر یک سقف جای خود را به تبادل نظر مخابراتی و ارتباطی داده است. بزرگترین مرکز نشر دانشگاهی جهان که روزگاری انتشارات دانشگاه شیکاگو بود، اکنون واحد کوچکی بیش نیست، واحدی که کمیت آن تقلیل پیدا کرده اما محصول و کارآمدی آن افزایش یافته است.

ویراستار دنیای هزاره سوم از راه شبکه‌ها و پایگاههای اطلاع رسانی، کتابخانه‌های دیجیتالی و رسانه‌های جدید بر شکل‌گیری پدیده‌ی مرکزی نظارت می‌کند که گاه ممکن است هر جزء آن از گوشه‌ای و هر عنصر آن از جایی فراهم شده باشد. وقتی ویراستار را به رهبر ارکستر تشبیه می‌کنند، این تشبیه را در تولید چند رسانه‌ایها به وضوح می‌توان دید. اکنون همه کشورهای با توجه به این نکات ناگزیر شدند که برای ایجاد و توسعه نشر الکترونیکی خود زیرساختهای فنی و صنعتی و آموزشی آن را فراهم آورند. زیرساخت را با برنامه‌ریزی راهبردی، استراتژیک و گذراندن دوره‌ای از انتقال می‌توان فراهم ساخت. نشر سنتی، که ویرایش

هم به آن وابسته است، برای ورود به عصر نشر الکترونیک ناگزیر است دوره انتقال را طی کند. از عمر ویرایش جدید در ایران زیاد نمی‌گذرد، اما همین ویرایش جوان بر اثر سرعت تحولات، اکنون در کنار نشر سنتی جای گرفته است. اما بازنگری در مبانی آموزش ویرایش و تربیت ویراستار از جمله ضرورتهاست. بنده به عنوان پژوهشگری مستقل در حوزه نشر و براساس مقایسه‌ها و محاسبات انتظار دارم که دانشگاه پیام نور به عنوان نهادی که تحولات جدید در کارکردها و تأثیرهای آن عمیقترین تحولات را به بار می‌آورد و از این رو بهتر از جاهای دیگر می‌تواند آن را حس کند، پیشاهنگ و پیشگام شود و با برگزاری دوره‌های آموزشی برای تربیت ناشر و ویراستار جدید، و به کمک تشکیل کتابخانه و مرکز منابع سراسری الکترونیکی و دیجیتالی جدید و پرورش دادن نیروهای خود از خلال همین دوره‌های آموزش، راهی را بگشاید که رهایی بخش آموزشهای ما از تنگناهای واپس ماندگی با همه ویژگیهای سوء و عوارض ناگوار آن است. ظهور ویراستار جدید از همین مرکز آموزشی شما می‌تواند سر فصلی در تحول نشر و تحول در سرچشمه‌های تولید دانش، معرفت و اطلاعات باشد. پیشاهنگ چنین تحولی، پاداش افتخار آمیز خود را از مجموعه ارزشهایی خواهد گرفت که همه مراکز آموزشی طرفدار تحول و پیش قدم به عضویت آن درآمده‌اند.

از همه شما صمیمانه تشکر می‌کنم. ■